

اخاذی هسته‌ای در سامانه حقوق بین‌الملل با تمرکز بر کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای ۲۰۱۷

دکتر سید مصطفی مشکات^۱

دکتر ابو محمد عسگرخانی^۲

^۱. دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) MustafaMeshkat@yahoo.com

^۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران asgarkha@ut.ac.ir

چکیده

با وجود مزایای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای در ابعاد گوناگون زندگی بشر، سوءاستفاده از انرژی مذکور در راستای فعالیت‌های ناقض صلح و امنیت بین‌المللی، یکی از مهمترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های جامعه جهانی را از زمان کشف انرژی هسته‌ای تاکنون تشکیل می‌دهد؛ یکی از این نگرانی‌ها مربوط به اخذی هسته‌ای است که طی آن تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و یا تهدید به انتشار مواد هسته‌ای به منظور اجرا و پیشبرد مطالبات اشخاص در دستور کار قرار می‌گیرد. در این باره، کنشگران سامانه حقوق بین‌الملل تا قبل از سال ۲۰۱۷، اقدامی متناسب و سنجیده در راستای مقابله با چنین اعمالی انجام ندادند؛ بدین سان، هیچ‌کدام از منابع حقوق بین‌الملل از جمله اسنادی چون منشور ملل متحد و معاهدات موجد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای، به ممنوعیت صریح تهدید و اخذی هسته‌ای رأی ندادند. با این وجود، انشای کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای در سال مرقوم و در پی آن، ممنوع‌انگاری مطلق تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای به عنوان نقطه عطفی در راستای مقابله با اخذی هسته‌ای به شمار می‌آید. با این اوصاف، در مقاله حاضر تلاش بر آن است تا با بررسی حکم اخذی هسته‌ای در نظام حقوق بین‌الملل، تحولات اخیر نیز کنکاش و ارزیابی شوند تا سرانجام مشخص گردد که واکنش جامعه جهانی در قبال اخذی هسته‌ای از چه نارسایی‌هایی برخوردار است.

● واژگان کلیدی

تهدید هسته‌ای، سلاح هسته‌ای، وسایل انفجاری هسته‌ای، انتشار مواد هسته‌ای و اخذی هسته‌ای.

کشف انرژی هسته‌ای به عنوان یکی از منابع انرژی تجدیدپذیر^۱، در زمره مهمترین دستاوردهای بشر در سده بیستم میلادی به حساب می‌آید؛ در این مسیر، از همان آغاز کشف انرژی هسته‌ای که تاریخ آن به ۲ دسامبر ۱۹۴۲ یعنی زمانی که انریکو فرمی^۲ موفق به ساخت زنجیره واکنشی در اتم اورانیوم در دانشگاه شیکاگو شد، برمی‌گردد، دولت‌ها متوجه دو کارکرد سازندگی و تخریبگری^۳ انرژی مذکور شدند. (1 : Moorthy, 2006)

اگرچه با کشف انرژی هسته‌ای، انتظارها بر آن بود که در وهله اول، بهره‌برداری از مزایای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای در حوزه‌های مختلف زندگی بشر پیگیری و عملیاتی شود ولی به جای آن، مصارف غیر صلح‌آمیز انرژی مذکور با انداختن بمب اتم در اثنای جنگ جهانی دوم ظهور و نمود پیدا کرد. با این وجود، موارد سوءاستفاده از فناوری هسته‌ای صرفاً منوط به ساخت جنگ‌افزارهای هسته‌ای و استفاده از آن‌ها نشد بلکه بتدریج، تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای جهت اجرا و پیشبرد یک رشته سیاست‌های معین نیز از سوی برخی از تابعان جامعه بین‌الملل یعنی آمریکا و شوروی دنبال شد.

بر این اساس، اخذی هسته‌ای که تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و یا انتشار مواد هسته‌ای را در پی دارد وارد گفتمان جهانی شد؛ در راستای مقابله با اخذی هسته‌ای، کنشگران نظام حقوق بین‌الملل تا سال ۲۰۱۷، اقدام شفافی را مورد اتخاذ قرار ندادند. اگرچه از یک‌سو، منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲ به ممنوعیت کلی تهدید به استفاده از زور علیه دولت‌ها رأی داده است و از ناحیه دیگر، معاهدات موجد مناطق عاری هسته‌ای به طور ضمنی به منع تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای اهتمام نموده‌اند ولی هیچ‌کدام از منابع حقوق بین‌الملل به طرز روشنی به ممنوعیت مطلق تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا وسایل انفجاری هسته‌ای و یا انتشار مواد هسته‌ای حکم ندادند.

با این مراتب، سیاستگذاران نظام حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۷ معاهده منع سلاح هسته‌ای را تصویب نمودند؛ در این خصوص، ماده ۱ معاهده مزبور که به احصاء و تبیین اعمال ممنوعه مرتبط با سلاح هسته‌ای پرداخته است، تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری

¹. Renewable energy.

². Enrico Fermi.

³. Destructive and constructive function.

هسته‌ای را نیز ممنوع‌انگاری نموده است. این موضوع به عنوان نقطه عطفی در راستای مقابله با اخذی هسته‌ای در نظام حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید؛ زیرا سند پیش‌گفته، یگانه معاهده بین‌المللی به حساب می‌آید که به طور خاص و البته مطلق، تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و بقیه وسایل انفجاری هسته‌ای را ممنوع اعلام نموده است. اگرچه عنوان اخذی هسته‌ای در معاهده منع سلاح هسته‌ای نیز به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است ولی همین که بخشی از رفتارهای تشکیل‌دهنده اخذی هسته‌ای مشمول ممنوعیت قرار گرفته است، اقدامی مثبت ارزیابی می‌گیرد.

پرسشی که در این جا فراروی مخاطب قرار می‌گیرد آن است که راهبرد مناسب به منظور مقابله با اخذی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل دائر بر چه ابعادی است؟ در مقام پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود، ممنوع‌انگاری و جرم‌انگاری مطلق و روشن تمامی اقسام تهدید هسته‌ای از جمله تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و یا انتشار مواد هسته‌ای همگام با برقراری نظام صلاحیت جهانی جهت رسیدگی به چنین اعمالی، ابعاد راهبرد سنجیده در راستای مقابله با اخذی هسته‌ای را در نظام حقوق بین‌الملل تشکیل می‌دهند.

با توجه به مطالب یادشده گفتنی است، در این مقاله قصد و تلاش بر آن است تا در وهله نخست، تعریف جامع و شفاف از اخذی هسته‌ای و قلمروی موضوعی آن صورت پذیرد و در مرحله بعد، همگام با بررسی و واکاوی حکم اخذی هسته‌ای در نظام حقوق بین‌الملل، تحولات معاهده منع سلاح هسته‌ای نیز تبیین و تحلیل شوند تا سرانجام از رهگذر مطالعات و بررسی‌های صورت پذیرفته مشخص گردد که نظام حقوق بین‌الملل از چه آسیب‌هایی در راستای مقابله با اخذی هسته‌ای برخوردار است.

۱- مفهوم‌شناسی

در راستای الگوبرداری از ساختار حاکم بر یک نوشتار علمی و منسجم، ابتدا به مفهوم‌شناسی پرداخته می‌شود؛ در این خصوص، سعی بر آن است تا هریک از مفاهیم اصلی به طرز ساده و شفاف تعریف شوند.

مواد هسته‌ای: بنا به یک تعریف کلی، مواد هسته‌ای عبارت است از هر نوع سنگ معدن، مواد اولیه (اورانیوم دربردارنده ایزوتوپ‌های مخصوص) و مواد خاص شکافت هسته‌ای.^۱
(Koelzer, 2005, 100)

^۱. Nuclear fission.

با نگاهی به بند a از ماده ۱ کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۱۹۸۰، مواد هسته‌ای چنین تعریف شده است: «مواد هسته‌ای عبارت است از پلوتونیوم^۱ به جز در موردی که ایزوتوپ‌های غلیظ‌شده متجاوز از ۸۰ درصد در پلوتونیوم ۲۳۸ باشد؛ اورانیوم ۲۳۸؛^۲ اورانیوم ۲۳۳؛ اورانیوم غنی‌شده در ایزوتوپ‌های ۲۳۵ و ۲۳۸؛ اورانیوم حاوی ترکیبی از ایزوتوپ‌هایی که در طبیعت واقع شده‌اند به جز در اشکال سنگ معدن و باقی‌مانده آن و یا هر ماده دیگری حاوی یک یا چند قسمت از موارد فوق».

سلاح هسته‌ای و انواع آن: سلاح هسته‌ای^۳ از انرژی حاصل‌شده در اثنای شکافت اورانیوم ۲۳۲ و یا پلوتونیوم ۲۳۹ جهت قدرت انفجاری خود بهره می‌برد. (Koelzer, 2005: 6) در این زمینه لازم به توضیح است، تمام سلاح‌های هسته‌ای از فرآیند شکافت هسته‌ای پدید می‌آیند؛ در فرآیند مزبور، هسته سنگین به دو هسته سبک‌تر و همچنین دو تا چهار نوترون آزاد تقسیم می‌شود که البته همراه با آزادسازی انرژی نیز است. به خاطر این‌که هر شکافت هسته‌ای، آزادسازی نوترون را به همراه دارد که آن نیز می‌تواند موجبات شکافت بیشتر هسته‌ای را فراهم آورد، اگر مواد هسته‌ای کافی در یک پیکربندی مناسب وجود داشته باشند، این امکان مهیا است تا یک واکنش زنجیره‌ای ایجاد شود. (آزادسازی نوترون، شکافت هسته‌ای، آزادسازی انرژی) (Bunn & Wier, 2006: 134)

به دیگر سخن، سلاح اتمی عبارت است از نوعی وسیله انفجاری که قدرت تخریبگر خود را از مجموعه واکنش‌های شکافت هسته‌ای و یا ترکیب شکافت و همجوشی هسته‌ای^۴ می‌گیرد. (Nystuen, Casey-Maslen, & Bersagel, 2014: 2) هسته‌ای را منحصر در فرآیند شکافت هسته‌ای قرار نداده است، مناسب‌تر ارزیابی می‌گردد. پس از آن که راجع به مفهوم سلاح هسته‌ای شناخت لازم کسب شد نوبت آن است تا انواع سلاح‌های مذکور معرفی و تشریح شوند؛ بدین‌سان، هریک از اقسام این سلاح‌ها به ترتیب ذیل تعریف می‌شوند:

الف) بمب اتمی^۵: آن دسته از سلاح‌های هسته‌ای که قدرت انفجاری خود را منحصراً از شکافت هسته‌ای به دست می‌آورد به عنوان بمب اتمی شناسایی می‌شوند؛

1. Plutonium.

2. Uranium.

3. Nuclear weapon.

4. Nuclear fusion.

5. Atomic bomb.

ب) بمب هیدروژنی:^۱ آن قسم از سلاح‌های هسته‌ای که بیشتر انرژی خود را از طریق همجوشی هسته‌ای کسب می‌کنند به عنوان بمب هیدروژنی شناخته می‌شوند؛ (Nystuen, Casey-Maslen, & Bersagel, 2014: 2)

پ) بمب نوترونی یا سلاح پرتوزای ارتقاء یافته:^۲ نوعی از سلاح‌های هیدروژنی قلمداد می‌گردد که از قدرت انفجاری کمتری نسبت به سایر اقسام سلاح‌های هسته‌ای برخوردار است. اگرچه انفجار ناشی از سلاح مذکور تنها چند صد یارد^۳ را مورد تأثیر قرار می‌دهد لیکن مقادیر زیادی از پرتوهای گاما و نوترون را آزاد می‌سازد. (Corporation, 2003: 1554) همچنین لازم به ذکر است از سلاح یادشده تحت عنوان قاتل بی‌صدا^۴ نیز یاد شده است. (Maher, 1998: 865)

اخاذی هسته‌ای و قلمروی موضوعی آن: اگرچه اخاذی هسته‌ای تابعی از رفتار کلی اخاذی به شمار می‌آید و عنوان یادشده نیز در بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا مورد توصیف قرار گرفته است لیکن تبیین مفهوم اخاذی هسته‌ای به این لحاظ که گونه نوینی از رفتار اخاذی را تداعی می‌نماید، ضرورتی انکارناپذیر جلوه می‌کند.

به این مناسبت، جهت آشنایی با مفهوم اخاذی هسته‌ای تعریف پیش‌رو مورد ارائه قرار می‌گیرد؛ اخاذی هسته‌ای عبارت است از توسل به تهدید هسته‌ای^۵ به منظور کسب منافع مالی و یا اجرایی نمودن سایر مطالبات تهدیدکننده. در ارتباط با تعریف پیش‌گفته نکات ذیل برخوردار از اهمیت جلوه می‌کند:

الف) موضوع تهدید، بکارگیری قدرت تخریبگر انرژی هسته‌ای می‌باشد؛ به این مناسبت، تهدید به انتشار مواد رادیواکتیو از جمله^۶ زباله هسته‌ای^۷ و حتی در یک نمای وسیع‌تر، تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای را نیز پوشش می‌دهد؛ زیرا آن‌چه در همه موارد پیش‌گفته کم و بیش ملاحظه می‌گردد، انرژی هسته‌ای و قدرت تخریبی آن می‌باشد.

در حقیقت، مطابق با آن‌چه در اظهارات آقای البرادعی به عنوان رئیس سابق آژانس انرژی اتمی^۸ مورد نظر واقع شده است، اخاذی هسته‌ای از طریق ارباب هسته‌ای^۹ ارتکاب پیدا می‌کند. (ElBaradei, 2003: 2)

1. Hydrogen bombs.

2. Neutron bomb or Enhanced radiation weapon.

3. Yard. (This is an English unit of length)

4. Silent killer.

5. Nuclear threat.

6. Radioactive material.

7. Nuclear waste.

8. International Atomic Energy Agency (IAEA).

9. Nuclear intimidation.

ب) مرتکب غالباً با توسل به تهدید مطالبه‌ای را مطرح می‌کند که این درخواست می‌تواند جهت کسب منافع مالی و یا هر نوع تقاضای دیگری باشد که برای مرتکب ارزشمند است. با این مراتب، در یکی از محدود تعاریف صورت‌پذیرفته از اخاذی هسته‌ای، یکی از نویسندگان (Bretton, 1986 : 347) رویکرد موسعی را اتخاذ نموده است؛ بنا به نظر ایشان، اخاذی هسته‌ای عبارت است از توسل یک قدرت به تهدید هسته‌ای و یا علامت‌دهی هسته‌ای^۱ به این مناسبت، ایشان طرح درخواست غیر مجاز را از طریق تهدید هسته‌ای برای تحقق اخاذی هسته‌ای لازم ندانسته‌اند.

مطابق با آنچه در تعریف اخاذی هسته‌ای صورت پذیرفت، موضوع رفتار مذکور دائر بر تهدید هسته‌ای است؛ این که مقصود از تهدید هسته‌ای چیست و چه موضوعاتی را در ذیل دامنه خود قرار می‌دهد از قرار ذیل مورد تبیین و احصاء قرار می‌گیرند:

الف) تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای: در این ارتباط، مرتکب با توسل به تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای مبادرت به ایجاد تقاضایی نیز می‌نماید؛

ب) تهدید به استفاده از سایر وسایل انفجاری هسته‌ای: در این خصوص، مرتکب با تهدید به استفاده از وسایل انفجاری هسته‌ای (به جز سلاح هسته‌ای) تقاضایی را مطرح می‌نماید.

پ) تهدید به انتشار مواد هسته‌ای: در این ارتباط، مرتکب با تهدید به انتشار مواد هسته‌ای اعم از پسماندهای هسته‌ای و غیره درخواست خود را مطرح می‌کند.

تهدید هسته‌ای در صورت اجرایی شدن آثار تخریبی گسترده‌ای را در مقیاسی وسیع به دنبال دارد؛ برخی از این آثار عبارتند از:

۱. ورود آسیب شدید به سلامت افراد از جمله معلولیت جسمی (مغز استخوان، سیستم عصبی مرکزی و اندام‌های تناسلی) و البته ژنتیک (ناهنجاری‌های کروموزومی و تغییرات ژنی)؛

۲. ایجاد تغییرات منفی بر تنوع زیستی گیاهی و جانوری. (گوندلینگ و همکاران ۱۳۸۹: ۱۴۰) درضمن باید متذکر شد، انفجار هسته‌ای علاوه بر تأثیرات پرتوزایی، به دلیل حرارت بالا و تأثیرات مکانیکی که در پی دارد، آثار تخریبی وسیعی^۲ را از چند صد متر تا چندین کیلومتر توزیع می‌نماید. (Ghosh, 2008: 33)

¹ Nuclear signaling.

² Mass destruction.

۲- تاریخچه اخاذی هسته‌ای

اخاذی هسته‌ای هم‌زمان با آغاز عصر اتم و کشف و دستیابی به قابلیت‌های انرژی هسته‌ای ظهور و بروز پیدا نمود؛ در این باره، انرژی هسته‌ای برای اولین بار در سال ۱۹۳۴ توسط فیزیکدان شهیر ایتالیایی، انریکو فرمی کشف شد؛ در حقیقت، دانشمند مذکور در سال ۱۹۳۴ این موضوع را کشف کرد که چگونه می‌توان با بمباران نوترونی هسته‌های اتم، مقادیر زیادی از انرژی و گرما تولید کرد. از این رو، انجام تحقیقات بیشتر بر روش مذکور که موجب دسترسی به منبع انرژی شده و به عنوان شکافت هسته‌ای نیز مورد شناسایی قرار گرفت، از ناحیه دولت‌هایی انجام شد که خواهان استفاده از انرژی یادشده در امر ساخت تسلیحات نظامی بودند. (Lusted, 2013: 17)

با این مراتب، برای نخستین بار آمریکا از اخاذی هسته‌ای استفاده نمود؛ در این مسیر، کشور مذکور به منظور اجبار نمودن کره و چین به خاتمه جنگ، از تهدید به استفاده از سلاح اتمی استفاده نمود؛ در آن برهه زمانی، جان فاستر دالس^۱ که وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده بود نسبت به اتخاذ سیاست نابودی هسته‌ای جهت اجبار طرف مقابل به تن دادن به راه حل مذاکره در جنگ کره در ژوئیه ۱۹۵۳ بحث می‌نمود. به هر روی، سرانجام این موضوع به اثبات رسید که تهدید به اقدامات تلافی جویانه گسترده می‌تواند زمینه اجبار طرف دیگر را به منظور قبول هر قسم مطالباتی فراهم آورد. (Friedman, 1975: 75)

با این وجود، ارتکاب اخاذی هسته‌ای صرفاً محدود به آمریکا نشد؛ شوروی نیز در بحران سوئز^۲ از اخاذی هسته‌ای استفاده نمود؛ در این خصوص، اخاذی هسته‌ای علیه کشورهای فرانسه، بریتانیا و همچنین چین در سال ۱۹۶۹ به کار گرفته شد. البته به خاطر آن که این رفتار علیه دولت‌های بسیار ضعیف‌تر انجام شد تا علیه یک قدرت هسته‌ای همچون آمریکا، به عنوان خطر با درجه پایینی [در مقایسه با تهدیدات هسته‌ای آمریکا] مورد نظر واقع شد. از سوی دیگر نیز باید اضافه نمود، اطلاعات قابل اعتمادی مبنی بر تصمیمات کرملین [در ارتباط با قدرت اجرایی نمودن تهدید هسته‌ای] وجود نداشت. (Betts, 2010: 22)

به هر شکل برحسب آنچه از نظر گذشت، اگرچه اخاذی هسته‌ای تقریباً از نیمه قرن بیستم میلادی وجود عینی به خود گرفته است ولی روند تحقق آن تاکنون متوقف نشده است بلکه با شیوع استفاده از فناوری هسته‌ای در دنیا و ورود دولت‌های بیشتر به صف بهره‌برداران از فناوری هسته‌ای، از پتانسیل بیشتری برای تحقق نیز برخوردار شده است.

¹ John Foster Dulles.

² Suez crisis.

۳- پیامدهای اخاذی هسته‌ای

جهت آشنایی بیشتر با مفهوم اخاذی هسته‌ای لازم است تا آثار و پیامدهایی که این رفتار موجب آفرینش آن‌ها می‌شود، به طرز صریح و ساده‌ای مورد تبیین و توصیف قرار گیرد. با این ترتیب، مهمترین تبعات مربوط به رفتار اخاذی هسته‌ای به صورت ذیل احصاء و بررسی می‌شود: **به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی:** بی‌گمان در زمره مهمترین آثار اخاذی هسته‌ای به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی^۱ می‌باشد؛ در حقیقت، حفظ صلح و امنیت جهانی در زمره اهداف والای تابعان جامعه بین‌الملل از گذشته تاکنون به شمار می‌آید. اخاذی هسته‌ای بدان خاطر که تهدید به استفاده از قدرت تخریبگر انرژی هسته‌ای را به دنبال دارد می‌تواند صلح و امنیت جامعه بین‌الملل را با خطر جدی مواجه سازد.

شیوع تولید سلاح‌های هسته‌ای در نتیجه اعمال سیاست بازدارندگی هسته‌ای: یکی از پیامدهای اخاذی هسته‌ای شیوع تولید سلاح‌های هسته‌ای در نتیجه اعمال سیاست بازدارندگی هسته‌ای می‌باشد؛ منظور از سیاست بازدارندگی هسته‌ای،^۲ تهدید به تهاجم هسته‌ای جهت بازداشتن از وقوع یک درگیری است. (Wilson, 2008: 422)

ارتکاب اخاذی هسته‌ای توسط یکی از تابعان جامعه بین‌الملل باعث ترغیب بقیه اعضا در جهت اعمال سیاست بازدارندگی هسته‌ای می‌شود که در نتیجه، اجرای راهبرد مذکور نیز منتج به شکست راهبرد منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در دنیا می‌شود.

به عبارتی روشن‌تر، زمانی یک دولت با استفاده از توان نظامی هسته‌ای که از آن برخوردار است متوسل به اخاذی هسته‌ای شود، بقیه دولت‌ها نیز برای حفظ مصالح ملی و جلوگیری و مبارزه با چنین تهدیداتی، فرآیند تولید و دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را به منظور راهبرد بازدارندگی هسته‌ای در دستور کار قرار می‌دهند. در این اوضاع و احوال، شیوع تولید سلاح‌های هسته‌ای در عرصه بین‌الملل به صورت امری اجتناب‌ناپذیر در خواهد آمد.

نقض حقوق بشردوستانه در هنگام جنگ: تهدید هسته‌ای که موضوع رفتار اخاذی هسته‌ای را تشکیل می‌دهد به عنوان یکی از مجموعه اعمالی به شمار می‌آید که موجب نقض حقوق بشردوستانه در هنگام جنگ^۳ می‌شود. (Weeramantry, 1999: 414) زیرا اتخاذ چنین رفتاری پتانسیل استفاده از سلاح‌های غیر متعارف^۴ را بیش از پیش تقویت می‌کند.

^۱ Risk of international peace and security.

^۲ Nuclear deterrence.

^۳ Contravention of humanitarian laws of war.

^۴ سلاح‌های بیولوژیک، شیمیایی و هسته‌ای خارج از قلمروی سلاح‌های متعارف قرار دارند. (میرعباسی و عزیزی ۱۳۸۹: ۹۳)

نقض امنیت هسته‌ای: اخذی هسته‌ای در زمره اعمالی قلمداد می‌گردد که نقض امنیت هسته‌ای^۱ را در پی دارد؛ در این ارتباط گفتنی است، امنیت هسته‌ای دایره بر به کارگیری تدابیری است که در جهت پیشگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای موضوعیت پیدا می‌کنند. (de Guttry, Gestri, & Venturini, 2012: 87) زیرا مطرح‌شدن تهدید هسته‌ای که موضوع اخذی هسته‌ای را تشکیل می‌گردد موجب می‌گردد تا دولت‌ها برای مقابله با چنین تهدیدی به ساخت سلاح هسته‌ای روی آورند (حبیب‌اللهی ۱۳۸۳: ۵۰) و بدین‌شکل امنیت هسته‌ای مورد حمله قرار گیرد.

۴- اخذی هسته‌ای در نظام حقوق بین‌الملل

بررسی حکم اخذی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل رسالت این فراز از جستار حاضر را تشکیل می‌دهد؛ با این وجود، از آن‌جا که تصویب کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای در سال ۲۰۱۷ به عنوان نقطه عطفی در مسیر مقابله با اخذی هسته‌ای به شمار می‌آید، ابتدا به بررسی منابع کلی حقوق بین‌الملل در مواجهه با اخذی هسته‌ای پرداخته و متعاقب بر آن، به تحولات کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای در قبال اخذی هسته‌ای پرداخته می‌شود.

قبل از تصویب معاهده منع سلاح هسته‌ای ۲۰۱۷

در این‌جا به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که کنشگران نظام حقوق بین‌الملل تا قبل از انشاء و تصویب کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای در سال ۲۰۱۷ چه واکنشی را در قبال اخذی هسته‌ای معمول داشته بودند.

اسناد بین‌المللی: اگرچه تا قبل از کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای در سال ۲۰۱۷، ممنوع‌انگاری اخذی هسته‌ای به طور خاص مورد توجه اسناد بین‌المللی قرار نگرفته بود اما برخی از اسناد به لحاظ اطلاقی که در برداشتند کم و بیش می‌توانستند در رابطه با اعمال مذکور موضوعیت پیدا کنند؛ با این وجود، هریک از اسناد مذکور به ترتیب ذیل معرفی و بررسی می‌شوند.

منشور ملل متحد: در منشور ملل متحد منع توسل به استفاده از زور و یا تهدید به استفاده از زور به عنوان یک تکلیف همگانی فراروی اعضای سازمان ملل متحد مورد تصریح قرار گرفته است.

¹. Contravention of nuclear security.

بنابراین، اگرچه حکم اخاذی هسته‌ای به صراحت در متن منشور ملل متحد^۱ منعکس نشده است ولی در بند ۴ ماده ۲ آن سند به منع استفاده از زور یا تهدید به آن از ناحیه دولت‌ها نسبت به یکدیگر تأکید شده است. بر طبق ماده مرقوم: «تمامی اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور و یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد در تنافی باشد، اجتناب خواهند کرد».

مطابق با آنچه در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد ملاحظه می‌گردد، نویسندگان سند پیش‌گفته هم تهدید به اعمال زور و هم توسل به زور را مورد ممنوعیت قرار داده‌اند؛ در حقیقت، طبق ماده مورد بحث، هیچ تفاوتی میان تهدید به اعمال زور و یا توسل به آن مدنظر قرار نگرفته است و هر دو به یک میزان از منظر حقوقی مورد توجه واقع شده است. (Grimal, 2013: 6)

به دیگر سخن، نویسندگان منشور با ممنوع‌انگاری صرف تهدید به استفاده از زور، و رای استفاده بالفعل از زور را مورد ممنوعیت قرار داده‌اند آن هم فارغ از این‌که تهدید مذکور منتج به درگیری شود یا خیر. (Dinstein, 2011: 88)

اگرچه استفاده به زور و یا تهدید به استفاده از زور به طور محکمی مورد ممنوعیت قرار گرفته است ولی تبیین دقیقی از واژه تهدید در منشور ملل متحد صورت نپذیرفته است. (Black-Branch, 2015 : 347)

با این اوصاف باید بررسی نمود که موضوع اخاذی هسته‌ای یعنی تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و یا تهدید به انتشار مواد هسته‌ای در قلمروی ممنوعیت موجود در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد قرار می‌گیرد یا خیر. با التفات به این‌که واژه تهدید در منشور ملل متحد مورد تعریف و دامنه آن تبیین نشده است بنابراین در این خصوص نمی‌توان نظر قاطعی را ابراز نمود.

درضمن باید متذکر شد در ارتباط با این موضوع که آیا تهدید به استفاده از وسایل انفجاری هسته‌ای (به استثنای سلاح هسته‌ای) و یا تهدید به انتشار مواد هسته‌ای در ذیل حکم موجود در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد یعنی منع استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور قرار می‌گیرد یا خیر، دیوان هنوز رأیی را صادر ننموده است.

با این مراتب، قطعنامه شماره ۹۸۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد^۲ سال ۱۹۹۵ به تضمین امنیت دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای [که عضو معاهده منع اشاعه سلاح هسته‌ای^۳

^۱ <http://www.un.org/en/charter-United-nations/>.

^۲ The Security Council resolution 984.

^۳ Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT).

می‌باشند] در مقابل استفاده و یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای تصریح نموده است؛ در ماده ۳ قطعنامه مذکور^۱ آمده است که در راستای مقابله با هرگونه استفاده یا تهدید استفاده از سلاح هسته‌ای نسبت به دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای که عضو معاهده منع اشاعه سلاح هسته‌ای هستند، هر دولتی می‌تواند توجه شورای امنیت سازمان ملل متحد را نسبت به این موضوع جلب کند تا اقدامات اجرایی فوری به منظور مساعدت به دولت تهدیدشونده یا قربانی استفاده از سلاح هسته‌ای مطابق با مفاد منشور انجام شود.

معاهدات موجد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای: معاهدات موجد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای^۲ در زمره اسنادی به شمار می‌آیند که از جهاتی با ممنوعیت اخاذی هسته‌ای نیز ارتباط پیدا کنند؛ در این رابطه، معاهدات یادشده^۳ به شرح ذیل احصاء و تبیین می‌شوند:

الف) معاهده موجد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آمریکای لاتین و کارائیب مصوب ۱۹۶۷؛^۴

ب) معاهده موجد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در اقیانوس آرام جنوبی مصوب ۱۹۸۵؛^۵

پ) معاهده موجد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای جنوب شرقی مصوب ۱۹۹۵؛^۶

ت) معاهده موجد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آفریقا مصوب ۱۹۹۶؛^۷

ث) معاهده موجد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای میانه مصوب ۲۰۰۶.^۸

با ملاحظه متن موجود در معاهدات بالا به استثنای معاهده موجد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای میانه^۹ مشاهده می‌گردد که نویسندگان این اسناد به صراحت ممنوعیت تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای را در دستور کار قرار نداده‌اند؛ با این وجود، از آن‌جا که موضوع معاهدات مذکور، پیدایش مناطقی عاری از سلاح هسته‌ای است بنابراین می‌توان استنباط نمود که ممنوعیت تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای نیز در توافق ضمنی طرفین معاهدات پیش‌گفته قرار داشته است.

1. <http://unsr.com/en/resolutions/984>.

2. Nuclear-Weapon-Free Zones Treaties.

3. <https://www.un.org/disarmament/wmd/nuclear/nwzfz>.

4. Treaty for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America and the Caribbean. <http://disarmament.un.org/treaties/tlatelolco/text>.

5. South Pacific Nuclear Free Zone Treaty. <http://disarmament.un.org/treaties/t/rarotonga/text>.

6. Treaty on the Southeast Asia Nuclear Weapon-Free Zone. <http://disarmament.un.org/treaties/t/bangkok/text>.

7. African Nuclear Weapon Free Zone Treaty. <http://disarmament.un.org/treaties/t/pelindaba/text>.

8. Treaty on a Nuclear-Weapon-Free Zone in Central Asia (CANWFZ). <http://disarmament.un.org/treaties/t/canwzfz/text>.

۹. در فراز مقدماتی از معاهده موجد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای میانه چنین آمده است: «با به رسمیت شناختن این موضوع که تعدادی از مناطق دنیا از جمله آمریکای لاتین و کارائیب، اقیانوس آرام جنوبی، جنوب شرق آسیا و آفریقا، مناطق عاری از سلاح هسته‌ای را ایجاد کرده‌اند که در آن دراختیارداشتن سلاح‌های هسته‌ای، توسعه، تولید، معرفی و استقرار آن‌ها و همچنین استفاده یا تهدید به استفاده از آن ممنوع اعلام گشته است و تلاش فراوان برای گسترش چنین رژیم‌هایی در سراسر جهان...».

با این مراتب، اگرچه منشور ملل متحد و معاهدات موجد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای هر کدام به ترتیب ممنوعیت تهدید به استفاده از زور و ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای را در دستور کار قرار داده‌اند ولی بدان خاطر که به صراحت به ممنوعیت تهدید به استفاده از سلاح یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و یا انتشار مواد هسته‌ای حکم ننموده‌اند، بنابراین نمی‌توان آن‌ها را به عنوان یکی از مستندات حقوق بین‌الملل در جهت ممنوعیت اخاذی هسته‌ای به حساب آورد.

عرف بین‌الملل: در حال حاضر، قاعده عرفی بین‌المللی که حکمی را در خصوص اخاذی هسته‌ای تبیین نماید، وجود ندارد؛ افزون بر آن، همانطور که پیشتر نیز بدان پرداخته است، عرف بین‌الملل در ارتباط با تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای نیز به موجب آنچه در رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورخ ۸ جولای ۱۹۹۶ آمده است، دربردارنده حکمی اعم از قانونی بودن و یا ممنوعیت آن نیست.

با این مراتب باید خاطر نشان نمود، تهدید به استفاده از قدرت تخریبگر هسته‌ای به وسیله تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و سرانجام انتشار مواد هسته‌ای، از منظر عرف بین‌الملل ممنوع‌انگاری نشده است.

آرای دیوان بین‌المللی دادگستری: دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ تاکنون در خصوص با عنوان اخاذی هسته‌ای اقدام به اصدار رأی ننموده است؛ با این وجود، در مورخ ۸ جولای ۱۹۹۶ رأی مشورتی مهمی در ارتباط با موضوع اخاذی هسته‌ای یعنی تهدید هسته‌ای از سوی نهاد یادشده به منصفه صدور درآمده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با طرح پرسشی با این مضمون که آیا کاربرد سلاح هسته‌ای مشروع و منطبق با حقوق بین‌الملل عمومی است یا خیر، از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای اصدار رأی مشورتی می‌کند؛ دیوان بین‌المللی دادگستری قریب به یکسال و نیم زمان صرف می‌نماید تا به این سؤال مجمع عمومی سازمان ملل متحد پاسخ دهد، صرف این زمان طولانی (که معمولاً در مواردی که مجمع از دیوان مبادرت به تقاضای رأی مشورتی می‌کند، سابقه ندارد)، مبین آن است که مسئله بسیار بحث‌انگیز بوده است و برای اعضای دیوان، هیئت قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، جوابدهی کار بسیار دشواری بوده است. (ممتاز ۱۳۷۷: ۹) در حقیقت، دیوان بین‌المللی دادگستری برای اولین بار به بررسی موضوعی پرداخت که حدود نیم‌قرن، بشریت را مورد تهدید قرار داده است. (شافع ۱۳۷۷: ۱۲۹)

^۱. International Court of Justice. (ICJ)

بر این اساس و طبق نظریه مشورتی که دیوان بین‌المللی دادگستری در مورخ ۸ جولای ۱۹۹۶ در حوزه قانونمندی بودن تهدید و یا استفاده از سلاح هسته‌ای^۱ اعلام نمود، حکم روشنی در قبال تهدید و یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در دسترس جامعه جهانی قرار نگرفت. به عبارتی خلاصه، دیوان به طور یقین‌آوری نتوانست در خصوص این مهم که تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای، رفتاری قانونی مورد احتساب قرار می‌گیرد یا خیر، اتخاذ تصمیم نماید. به این مناسبت، دیوان اشعار داشت که هیچ قاعده عرفی بین‌المللی و همچنین معاهده بین‌المللی وجود ندارد که به ممنوعیت کامل و جهانی تهدید و یا استفاده از سلاح هسته‌ای پرداخته باشد. بنابراین باید خاطر نشان نمود، در آرای صادره از ناحیه دیوان بین‌المللی دادگستری، در ارتباط با مقوله تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای که موضوع رفتار اخاذی هسته‌ای را تشکیل می‌دهد، حکمی تاکنون مورد صدور قرار نگرفته است.

معاهده منع سلاح هسته‌ای ۲۰۱۷ و تحولات آن: با تصویب معاهده منع سلاح هسته‌ای هسته‌ای در سال ۲۰۱۷،^۲ مقابله با اخاذی هسته‌ای در نظام حقوق بین‌الملل وارد فاز نوینی شد؛ به همین روی، مهمترین تحولات معاهده یادشده در راستای مقابله با اخاذی هسته‌ای به صورت جداگانه از قرار ذیل تبیین و تحلیل می‌شود.

ممنوع‌انگاری تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای: یکی از مهمترین اقداماتی که جامعه بین‌المللی از آغاز قرن بیست و یکم تاکنون در ارتباط با ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای انجام داده است، وضع کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای در تاریخ ۷ جولای ۲۰۱۷ است.

معاهده منع سلاح هسته‌ای به عنوان نخستین سند بین‌المللی به حساب می‌آید که استفاده، داشتن، گسترش و مستقر نمودن سلاح هسته‌ای را برای همه دولت‌های عضو معاهده مورد ممنوعیت قرار می‌دهد. نکته مهمی که در این معاهده به چشم می‌آید همانا به چالش کشیدن قانونمندی سیاست بازدارندگی هسته‌ای است. به هر تقدیر، سند بین‌المللی موصوف از تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷ در نیویورک، مقرّر مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای امضای دولت‌های مختلف مورد گشایش قرار گرفته است. (Mukhatzhanova 2017: 12)

در مقدمه این معاهده به صراحت به بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد نیز اعتناء صورت پذیرفته و در این زمینه چنین مقرّر شده است: «با یادآوری این‌که، مطابق با نظامات موجود در

¹ Legality of the threat or use of nuclear weapons.

² Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons. <http://undocs.org/A/CONF.229/2017/8>.

منشور ملل متحد، دولت‌ها موظف هستند که از تهدید به استفاده از زور و یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هریک از دولت‌ها و یا به هر طریق دیگری که در تنافی با اهداف سازمان ملل متحد است، خودداری ورزند...».

در اثنای برگزاری کنفرانسی که خروجی آن به تصویب معاهده منع سلاح هسته‌ای منجر شد، دو دیدگاه در قبال تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای وجود داشت؛ هریک از این دیدگاه‌ها به قرار ذیل تبیین می‌شوند:

الف) نیازی به ذکر تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای در اعمال ممنوعه موجود در ماده ۱ معاهده منع سلاح هسته‌ای دیده نمی‌شود: به طور اجمالی، برخی از اعضای معدود حاضر در کنفرانس از جمله سوئیس، سوئد و مکزیک بر این اعتقاد بودند که با وجود درج بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، ضرورتی وجود ندارد تا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای در معاهده مزبور ذکر شود.

به بیانی روشن‌تر، ایشان اشعار می‌داشتند که نه تنها گنجاندن تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای در معاهده لازم نیست بلکه اقدام به چنین کاری موجب خطر به تحلیل رفتن اصل ممنوعیت عمومی تهدید به استفاده از زور به شرح مندرج از منشور ملل متحد نیز خواهد شد.

ب) تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای باید در ماده ۱ معاهده به عنوان اعمال ممنوعه ذکر شود: به نظر می‌رسد، تفاوت کلیدی در تفسیر ماهیت تهدید است که باید ممنوع اعلام شود. منشور ملل متحد در قبال تهدیدات فوری‌تر نسبت به استفاده از سلاح هسته‌ای علیه یک یا چند دولت تحت شرایط خاص موضوعیت پیدا می‌کند. افرادی که معتقد به گنجاندن تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای در معاهده بودند، سیاست‌های بازدارنده سلاح هسته‌ای را بسیار وسیع‌تر مورد هدف قرار دادند؛ بدین شکل که تهدید کلی به استفاده از سلاح هسته‌ای در مقام تلافی، در مرکز راهبرد بازدارندگی هسته‌ای جای می‌گیرد. (Mukhatzhanova 2017: 17) به هر روی، سرانجام تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای در بند d ماده ۱ معاهده منع سلاح هسته‌ای که به احصاء و تبیین اعمال ممنوعه اهتمام نموده است، تصریح گردید. مطابق با ماده مزبور: «هریک از دولت‌های عضو معاهده مکلف است تا هرگز تحت هیچ شرایطی:

d. مبادرت به استفاده و یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای ننماید».

مطابق با آن چه از نظر گذشت، نویسندگان معاهده به ممنوع‌انگاری تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای پرداختند. نقطه قوت این معاهده نیز در همین موضوع است که موضوع تهدید تنها منحصر به سلاح هسته‌ای نشده بلکه هر نوع وسیله انفجاری هسته‌ای را در سیطره خود قرار می‌دهد.

یکی از مهمترین نارسایی‌های ناظر بر کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای در حوزه اخاذی هسته‌ای، عدم تعریف سلاح هسته‌ای و وسایل انفجاری هسته‌ای^۱ است. این کاستی در مورد مفهوم تهدید نیز موضوعیت پیدا می‌نماید. به هر شکل، ضروری است تا نویسندگان اسناد بین‌المللی تا آن جا که توافق اراده ایشان بدان ها اجازه می‌دهد به ترسیم واژگان و اصلاحات تخصصی مبادرت ورزند تا از این حیث، جلوی ابهامات و نارسایی‌های مذکور را بگیرند.

ترسیم ضمانت‌اجرای کیفری در قبال اخاذی هسته‌ای: در عداد اقدامات مثبتی که از ناحیه کنشگران نظام حقوق بین‌الملل در راستای انشای معاهده منع سلاح هسته‌ای مورد اتخاذ قرار گرفته است، تکلیف به دولت‌های عضو جهت برقراری ضمانت‌اجراهای کیفری در مورد اعمال ممنوعه مصرح در معاهده پیش‌گفته از جمله اخاذی هسته‌ای است.

در واقع، از آن جا که طبق بند d ماده ۱ معاهده منع سلاح هسته‌ای، تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای ممنوع اعلام شده است بنابراین دولت‌های عضو معاهده مورد بحث، طبق بند ۲ ماده ۵ آن سند بین‌المللی، موظف انگاشته شده‌اند تا به ترسیم ضمانت‌اجراهای کیفری^۲ در جهت پیشگیری و مبارزه با اعمال ممنوعه مدنظر معاهده اقدام ورزند. در این ارتباط ماده ۵ معاهده یادشده چنین اشعار داشته است:

«۱. هریک از دولت‌های عضو معاهده تدابیر لازم را در جهت اجرای تعهدات خود به شرح مندرج در معاهده به عهده خواهند گرفت؛

۲. هریک از دولت‌های عضو معاهده، اقدامات قانونی، اداری و سایر تدابیر مناسب از جمله مقررنمودن ضمانت‌اجراهای کیفری در راستای پیشگیری و سرکوب هر نوع رفتار ممنوعه به شرح مقررات این معاهده که به وسیله اشخاص یا در قلمروی صلاحیت و یا کنترل هریک از دولت‌های عضو صورت پذیرفته است را مورد اتخاذ قرار خواهد داد».

¹. Nuclear explosive devices.

². The imposition of penal sanctions.

مطابق با آنچه در بند ۲ ماده ۵ معاهده منع سلاح هسته‌ای مورد تصریح قرار گرفته است مشخص می‌گردد که دولت‌های عضو معاهده باید نسبت به برقراری ضمانت‌اجراه‌های جزایی نسبت به هر رفتار ممنوعه در کنوانسیون از جمله اخذی هسته‌ای اقدام نمایند.

احتساب صلاحیت سرزمینی و جهانی به صورت توأمان: به موجب قسمت اخیر بند ۲ ماده ۵ معاهده منع سلاح هسته‌ای^۱ در راستای رسیدگی به اعمال ممنوعه مصرّح از جمله اخذی هسته‌ای صلاحیت سرزمینی و جهانی به صورت توأمان در کانون توجه قرار گرفته است؛ در این خصوص، با التفات به واژه «یا» میان عبارات «به وسیله اشخاص» و «در قلمروی صلاحیت و یا کنترل هریک از دولت‌های عضو»^۲ باید قائل بر آن شد که دولت‌های عضو در مقام اجرای مجازات، صلاحیت سرزمینی^۳ و صلاحیت جهانی^۴ را توأمان باید مدنظر قرار دهند؛ بدین‌سان، از یک طرف، با عنایت به اصل صلاحیت سرزمینی، اجرای مجازات علیه مرتکبان رفتارهای ممنوعه در معاهده منع سلاح هسته‌ای از جمله اخذی هسته‌ای که در قلمروی صلاحیت و یا کنترل هریک از دولت‌های عضو صورت پذیرفته است، اعمال خواهد شد. از طرف دیگر، اگر رفتارهای ممنوعه مصرّح در قلمروی سرزمینی دولت‌های عضو انجام نشده است ولی مرتکب یا مرتکبان چنین اعمالی در قلمروی هریک از دولت‌های عضو یافت شود، محاکم دولت مزبور این صلاحیت را دارد تا چنین مرتکبانی را مورد پیگرد و محاکمه قرار دهد هرچند که در قلمروی صلاحیت و یا کنترل آن دولت، چنین رفتاری انجام نشده است.

در واقع، از آن جایی که ارتکاب برخی از رفتارها نظم بین‌المللی را مورد حمله قرار می‌دهد بنابراین صلاحیت جهانی در رسیدگی به آن اعمال لحاظ می‌شود. (فروغی ۱۳۸۸: ۳۸) از این رو، در پیگرد قانونی و مجازات اعمال ممنوعه موجود در معاهده منع سلاح هسته‌ای نیز چنین صلاحیتی مورد نظر قرار گرفته است.

شرایط آسان برای لازم‌الاجرا شدن: در ارتباط با این موضوع که معاهده منع سلاح هسته‌ای در چه تاریخی قدرت اجرایی پیدا می‌کند، ماده ۱۵ سند مزبور تعیین تکلیف نموده است؛ وفق ماده یادشده:

¹ "Each State Party shall take all appropriate legal, administrative and other measures, including the imposition of penal sanctions, to prevent and suppress any activity prohibited to a State Party under this Treaty undertaken by persons or on territory under its jurisdiction or control."

² Undertaken by persons or on territory under its jurisdiction or control.

³ Territorial Jurisdiction.

⁴ Universal jurisdiction.

۱. این معاهده ۹۰ روز متعاقب بر تودیع پنجاهمین سند تصویب، قبولی، تأیید و یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد؛

۲. برای هریک از دولت‌هایی که سند تصویب، قبولی، تأیید و یا الحاق خود به معاهده را بعد از تودیع پنجاهمین سند تصویب، قبولی، تأیید و یا الحاق، نزد مراجع ذیربط سپرده‌اند، تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده ۹۰ روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب، قبولی، تأیید و یا الحاق توسط هریک از آن‌ها خواهد بود».

مطابق با آنچه ملاحظه می‌شود، شرایط سخت و پیچیده‌ای جهت لازم‌الاجرا شدن معاهده منع سلاح هسته‌ای مورد نظر قرار نگرفته است؛ با این ترتیب، ۹۰ روز پس از آن که ۵۰ دولت التزام خود را به آن معاهده به وسیله هریک از ابزارهای تصویب، قبول، تأیید و یا الحاق ابراز نمایند، معاهده یادشده قدرت اجرایی پیدا می‌نماید.

در واقع، زمانی که برخی از معاهدات بین‌المللی مثل معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای (CTBT)^۱ ملاحظه می‌شوند، مشخص می‌گردد که نویسندگان سند منع سلاح هسته‌ای در سال ۲۰۱۷ شرایط پیچیده و نزدیک به محال را برای اجرایی شدن معاهده موصوف تصریح نکرده‌اند؛ در این خصوص باید متذکر شد، طبق ماده ۱۴ معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای مصوب ۱۹۹۶، شرط لازم‌الاجرای شدن آن امضای حدود ۴۴ کشور خاص است که نام آن‌ها در ضمیمه دو معاهده پیش‌گفته ذکر است که در بین آن‌ها نام تمام قدرت‌های هسته‌ای از جمله کره شمالی، پاکستان، اسرائیل نیز دیده می‌شوند. با لحاظ شرایط حاکم بر جامعه بین‌المللی، بعید به نظر می‌رسد که کنوانسیون منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای قدرت اجرایی پیدا کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های مقاله حاضر، استنباط می‌گردد که کنشگران نظام حقوق بین‌الملل در راستای مقابله با اخاذی هسته‌ای رویکرد ناقصی را مورد اتخاذ قرار داده‌اند؛ بدین‌سان، به جای ممنوع‌انگاری تمامی اشکال رفتار اخاذی هسته‌ای تنها برخی از مصداق‌های آن ممنوع‌انگاری شده است. در حقیقت، تا پیش از وضع معاهده منع سلاح هسته‌ای در سال ۲۰۱۷، هیچ‌کدام از منابع حقوق بین‌الملل از جمله معاهدات و عرف بین‌الملل در ارتباط با تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و یا انتشار مواد هسته‌ای حکمی را اعلام

^۱. Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty (CTBT). https://www.ctbto.org/fileadmin/content/treaty/treaty_text.pdf.

نموده بودند. البته با وجود آن که منشور ملل متحد، به طور کلی، تهدید به استفاده از زور را ممنوع‌انگاری نموده است ولی به دلیل ابهام‌هایی که در ارتباط با تفسیر کلمه «تهدید» وجود دارد، نتوانسته است تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و یا انتشار مواد هسته‌ای را در ذیل قلمروی خود قرار دهد. در این ارتباط، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز هنوز رأی روشنی را در خصوص ممنوعیت تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری و یا انتشار مواد هسته‌ای بنا به مقررات منشور ملل متحد صادر نموده است.

با این اوصاف، معاهده منع سلاح هسته‌ای به عنوان نقطه عطفی در راستای مقابله با اخاذی هسته‌ای به شمار می‌آید؛ زیرا سند پیش‌گفته، برای نخستین بار تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای را ممنوع‌انگاری نمود. در حقیقت، معاهده منع سلاح هسته‌ای با ترسیم شرایط آسان برای لازم‌الاجرا شدن، تکلیف به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، اعمال تدابیر صلاحیتی گسترده و توصیه به انشای ضمانت‌اجراهای کیفی و سرانجام ممنوعیت مطلق تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای، مقابله با اخاذی هسته‌ای را وارد فاز نوینی کرد. با این وجود، عدم تعریف و تبیین قلمروی مفاهیم تهدید، سلاح هسته‌ای و وسایل انفجاری هسته‌ای در زمره کاستی‌هایی مهمی به شمار می‌آیند که در آن سند بین‌المللی ملاحظه می‌شود.

از سوی دیگر باید متذکر شد، اخاذی هسته‌ای تنها منوط به تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سایر وسایل انفجار هسته‌ای نمی‌شود بلکه در یک نمای کلی‌تر، تهدید به انتشار مواد هسته‌ای را نیز در ذیل قلمروی خود قرار می‌دهد. در این خصوص، نویسندگان کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای رویکرد پویایی را اتخاذ نموده‌اند و در نتیجه تهدید به انتشار مواد هسته‌ای را ممنوع‌انگاری نکرده‌اند. بدین‌سان، این موضوع نیز به عنوان یکی دیگر از نارسایی‌های معاهده منع سلاح هسته‌ای در راستای مقابله با اخاذی هسته‌ای به شمار می‌آید. انتظار می‌رود تا در آینده‌ای نزدیک، کنشگران سامانه حقوق بین‌الملل در مسیر انشای راهبرد مقابله با اخاذی هسته‌ای چنان عمل کنند که تمامی رفتارهای ناقض صلح و امنیت بین‌المللی از جمله تهدید به انتشار مواد هسته‌ای را نیز در کانون توجه قرار داده و نسبت به ممنوع‌انگاری صریح آن اقدام کنند. از سوی دیگر، توصیه می‌شود تا تهدید به شکل روشنی تعریف شود و قلمروی اعمال تشکیل‌دهنده آن نیز به طور دقیقی تبیین شود تا از وقوع هرگونه سوءاستفاده در مسیر اجرای موازین بین‌المللی به خاطر ابهام در تطبیق مصداق بر حکم خودداری صورت پذیرد.

منابع و مأخذ

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)؛ کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۲. حبیب‌اللهی، مهدی (۱۳۸۹)؛ «نقدی بر دیدگاه پردکنندگان دکترین بازدارندگی نظریه بازدارندگی هسته‌ای از تئوری تا عمل»، نشریه راهبرد، شماره ۳۴، (ص ۴۹ تا ۷۵).
۳. شافع، میرشه‌بیز (۱۳۷۷)؛ «رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۱، (ص ۱۲۹ تا ۱۵۶).
۴. فروغی، فضل‌الله (۱۳۸۸)؛ «منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی»، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۳، (ص ۲۱ تا ۴۸).
۵. گوندلینگ، لورتار، هوپسمان، جی. دلبیو، هلیپا، ای.ای و شلتون، دینا (۱۳۸۹)؛ حقوق محیط زیست (مترجم) حبیبی، محمد حسن، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)؛ «مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل عمومی»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۵، (ص ۷ تا ۱۸).
۷. میرعباسی، سید باقر و عزیزی، ناصر (۱۳۸۹)؛ به سوی تعادل بین حقوق بشر دوستانه و ملاحظات نظامی با تأملی بر کنوانسیون سلاح‌های متعارف و پروتکل‌های ضمیمه آن، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۴۹ و ۵۰، (ص ۹۳ تا ۱۲۶).
8. Betts, R. K. (2010). Nuclear Blackmail and Nuclear Balance, Brookings Institution Press. (Pgs 1-240).
9. Black-Branch, J. L. and D. Fleck (2015). Nuclear Non-Proliferation in International Law: Volume II - Verification and Compliance, T.M.C. Asser Press. (pgs 1-415).
10. Bretton, H. L. (1986). International Relations in the Nuclear Age: One World, Difficult to Manage, State University of New York Press. (Pgs 1-501).
11. Bunn, M. and A. Wier (2006). "Terrorist nuclear weapon construction: how difficult?" The Annals of the American Academy of Political and Social Science 607(1): (Pgs 133-149).
12. de Guttry, A., et al. (2012). International Disaster Response Law, T.M.C. Asser Press. (Pgs 1-740).
13. Dinstein, Y. (2011). War, Aggression and Self-Defence, Cambridge University Press. (Pgs 1-375).
14. ElBaradei, M. (2003). "No Nuclear Blackmail." Wall Street Journal 22. (Pgs 1-2).
15. Friedman, Edward. (1975). Nuclear Blackmail and the End of the Korean War. Modern China, 1(1), (Pgs 75-91).
16. Ghosh, G. K. (2008). Environmental Pollution, APH Publishing Corporation. (Pgs 1-260).

